

محمد تقی شریعتی مدرس تفسیر

سوره ماعون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- ۱ - أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدينِ
 ۲ - فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ
 ۳ - وَلَا يَحِضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ
 ۴ - فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ
 ۵ - الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ
 ۶ - الَّذِينَ هُمْ يَرَاوُنَ
 ۷ - وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

مفسران در نام این سوره که ماعون یا تکذیب یا الدین است و در آیاتش که هفت و یاشش است و در محل نزول آن که مکه است یا مدینه یا نغش مکی و نصف دیگرش مدنی است و در باره کسیکه نازل شده آیا عاص بن وائل است یا عبدالله بن ابی باهم اختلاف کرده اند، که چون کوچکترین تأثیری در معانی عالیه این آیات کریمه ندارد و مطلب سوره در هرجا و در باره هر کس نزول یافته جامع و کامل است ما از نقل اقوال که برای خوانندگان مجله متضمن فائده‌ای نیست خودداری کردیم.

تناسب سوره :

اما تناسب این سوره با سوره مبارکه پیش (قریش) این است که خداوند الطاف و نعم خود را نسبت به قریش در آن سوره یاد کرده که آنان را از گرسنگی رهانیده اطعام فرموده و از بیم و هراس ایمنشان ساخت و به آنها امر نمود که عبادت پروردگار بپردازند و در این سوره قریش را ضمن مذمت از سایر مکذبین نکوهش میفرماید که آنان میبایستی به شکرانهٔ رهایی از گرسنگی بینوایان را اطعام میکردند و بشکرانهٔ ایمنی از خوف، یتیمان را پناه میدادند، ولی آنان کوشش در اطعام مسکین نمودند و یتیمان را بعنف و شدت از خود راندند و بجای سپاسگزاری از نعمتهای الهی و پرستش ذات مقدس دینش را دروغ شمردند و نمازشان را برای چشم خالق نه برای رضای خدا خواندند بدیهی است که مطالب آیات کلی و عام است ولی قریش را نیز شامل میشود اما تناسب با سوره بعد (کوثر) ضمن تفسیر آن سوره که در گرامی‌نامه آستان قدس

از شماره دهم تا دوازدهم مندرج است بیان کردیم .

ترجمه آیات :

۱ - آیا دیده‌ای کسی را که دین را دروغ می‌پندارد. ۲ - پس آن کسی هست که بسختی میراند یتیم را. ۳ - و وادار نمیکند بر خوراک بینوا. ۴ - پس وای برای نماز گزاران. ۵ - آنانکه از نمازشان غافلند. ۶ - کسانی که آنها ریامیکنند. ۷ - و ذکات یا اسباب واثاها را بدیگران نمیدهند .

در این سوره مبارکه مردمیکه دین را باور ندارند بنیکوترین وجه و کسوت‌هترین عبارت معرفی شده اند ما اگر بخواهیم چیزی را بروشنی بشناسیم ناچار جملات فراوان و عبارات بسیار باید بیاوریم بازهم غالباً تعریف جامعیکه خود بیسندیم و دیگران بشناسند از کار در نمی‌آید ولی زبان وحی معانی و مقاصد زیاد را در عباراتی بس اندک بدانسان روشن می‌فهماند که سخن‌شناسان را بشگفت در می‌آورد و برای کسی ابهامی باقی نمیگذارد . من برای آنکه ذهن خوانندگان گرامی را آماده درک لطف بیان قرآن نمایم نخست از گفتار نویسنده ای مشهور و توانا تعریفی را نقل میکنم: منتسکیر در کتاب روح القوانین در تعریف ماهیت استبداد چنین میگوید «وحشیان لویزیان (۱) چون می‌خواهند میوه بچنگ آورند درخت را از بیخ قطع میکنند : این است ماهیت استبداد» حال شما چندین صفحه در تشریح و توصیف استبداد و آثار و نتایج آن بنویسید اگر کار این جمله کوتاه و پر مغز و لطیف را کرد ؟ اینک بتوضیح تعریف قرآن از مکذبین دین می‌پردازیم .

منظره کودک پدر مرده بینوا رقت‌انگیزترین مناظری است که دل را میسوزاند و عاطفه‌انسانی و احساسات بشری را تحریک کرده بشفقت و ترحم و امیدارد و خواه ناخواه بیننده را باندیشیدن در آینده او میاندازد که اگر اطفال یتیم همواره ستم و بیمه‌ری ببینند و تعلیم و تربیت نشوند ، در بزرگی چه افراد خطرناک و زیان‌آوری برای جامعه خواهند شد، و نیز باین فکر میکشاند که هرگاه کودکان من یتیم شدند اگر بنا باشد افراد جامعه از یتیمان سرپرستی نکنند بچه‌سختی و پریشانی دچار خواهند گشت و خداوند در سوره نساء آیه دهم میفرماید «و باید بترسند آنانکه اگر فرزندان ناتوان از پشت‌سر خود بگذرانند بر آنان بی‌مناکند» حال اگر کسی کودک پدر مرده بینوایی را دید که آمده تا خود را باو بنمایاند باین امید که حال زار و اندام نزارش

۱ - لویزیان یکی از ایالات اتحادیه ایالات آمریکا است و منظور از وحشیان سرخ بوستان اولیه آمریکا است .

طر فرا بدلسوزی و مهربانی در باره‌اش برانگیزد باشد که نسبت باو مساعدتی کند و از شدائش بکاهد و بر دل ریش مرهمی نهد خواه با زبان مقال چیزی هم بگوید یا بهمان زبان حال چیزی بگوید، و آنکس نه تنها مهری اظهار ننماید بلکه قهری هم آشکار کند و بجای آنکه بنوازدش بیازاردش و از خود بسختی براند آیا چنین کسی چه اندازه سنگدل و ستمکار و بیعاطفه و فرومایه و مالدوست و بخیل و لالایی و بداندیش و مغرور و متکبر و بیخیر و بی‌توجه‌بخیر و صلاح اجتماع هم در حال وهم در آینده خواهد بود؟ اکنون ببینیم چگونه قرآن تمام اینمعانی و معایب را در عبارتی کوتاه فهمانیده است قبل از معرفی میبرد که «آیا دیده‌ای کسی را که دین‌را دروغ پندارد فائده این پرسش اولاً تشویق شنونده است بشناختن چیزی که ذکرخواهدشد ثانیاً با استفهام در مقام تعجب میفهماند که تکذیب دین امری شگفت‌انگیز و تعجب‌آمیز است زیرا چگونه با اینهمه نشانه‌های قدرت و حکمت آفریدگار که در مرئی و منظر آدمی و بانیروی عقل و فطرت دینی که وی را قادر بشخیص و تمیز و استدلال و قضاوت صحیح میسازد باز هم بانکار دین میپردازد» پس آن دروغ پندارنده دین آنچنان کسی است که یتیم را با عاف و سختی زجر میکند و میراند « نکات این جمله مختصر را ملاحظه فرمائید اولاً با آوردن اسم اشاره مکذِّب‌را بجای حاضر و محسوس فرض نموده و در مطرح انظار قرار میدهد تا عموم بشناسندش و معایبش را آشکار ببینند و بدانند که فقط همو هست که چنین کار زشت و کردار ناپسندی میکند ثانیاً اسم اِشاه بدور را بکار برده تا دور بودن مشارالیه از مقام قربت متکلم (خداوند) بر همه معلوم باشد ثانیاً با لفظ یدع که یعنی بسختی و ناهنجاری میراند میرساند که یتیم نزد او برای طلب چیزی خواه از مال او یا از مال خودش آمده که ویرا دفع و زجر کرد. پس قطعاً نیازمند بوده است بدیھی است که چنین کسی دارای اخلاق رذیله و اوصاف نکوهیده ایست که برخی از آنها را یاد کردیم .

در جمله دوم میفرماید «برطعام بینوا ترغیب و تشویق نمیکند و خود و دیگران را وادار نمینماید» مقصود از این تعبیر این است که مردم بیدین بینوایان را اطعام نمیکند و از دارائی خود چیزی بآنان نمی‌بخشند ولی این مقصود عبارتی بیان شده است که وظیفه دینداران را نیز بخوبی میفهماند و آن وظیفه تحریص و ترغیب بر طعام مسکین است نه فقط اطعام آنهاوس .

ممکن است کسانی چنین پندارند که تکلیف مسلمان نسبت بفقرا این است که از مال خود خوراک بآنها برساند در اینصورت تنها مالداران مکلف خواهند بود و آنانکه تمکن مالی ندارند دراینمورد تکلیفی ندارند ولی قرآن کریم با این لطف تعبیر عموم اهل ایمان را مکلف میفرماید

توانگران از ثروت خود و تهیدستان از آبرو و کوشش خود باید مایه گزار شده گرسنگان را سیر کنند آنها که اضافه بر مخارج خود و خانواده‌شان ندارند دیگران را وادار کنند و ترغیب و تحریص بر خوراک دادن بینوایان نمایند و نیز برخی مردم طبعاً بخیل و مالدوست بوده حتی بر خود و خانواده‌شان سخت میگیرند و از صرف ثروت در مصارف ضروری خود و نور دیدگان‌شان دریغ میورزند ولی همین اشخاص وقتی مومن و دیندارند با کمال دقت خمس و زکاتشان را می‌پردازند در باره اینگونه کسان میتوان گفت که در حقیقت خودشان را وادار بر طعام مسکین و پرداخت وجوه بریه مینمایند (۱) آری این نیروی شگفت‌انگیز و خارق‌العاده ایمان است که کریم و بخیل را همراهِ میسازد و ببخشش و انفاق و امیدارد شوقی شاعر عرب در قصیده خود میگوید :

جاءت فوحدت الزكاة سبيله حتى التقي الكرماء والبخلاء (۲)

یعنی حکم زکاة آمد و راه نیکی و نیکوکاری را یکی ساخت مردم بخشنده و ممسک‌باهم همراه شدند باری نشانه دوم مکذب بدین این شد که از مال خود مسکین را اطعام نمیکند و دیگران را نیز وادار نمینماید .

باید توجه داشت که لفظ مسکین مشتق از سکون است و بمعنی بینوایی است که از فرط فقر و شدت گرسنگی از حرکت باز مانده قادر بر کاری نیست حال شما منظره رقت‌انگیز انسان بیچاره ای را که بچنین تیره‌روزی و درماندگی افتاده در نظر مجسم کنید آنوقت در خاطر بگذرانید که انسانی نیرومند و توانگر یا لااقل تندرست بر او میگردد متأثر و مترحم نمیشود نه از مالش چیزی باو میدهد و نه گامی برای نجاتش برمیدارد و همچنان متکبر و مغرور و بی‌اعتنا با سنگدلی میگذرد و بیخیال دنبال کارش میرود آیا چنین جانوری چه اندازه از فضائل اخلاقی بی‌بهره و بردائل آلوده است ؟ این بود معرفی کامل و توصیف جامعی که با دو جمله کوتاه ، از مکذب بدین بعمل آمد آنها بطوریکه هر کس باسانی و سادگی میتواند او را شناخت و مدعیان دروغی را از دینداران واقعی تمیز داد ، حال اگر افرادی که یتیم را بسختی میرانند و بر طعام مسکین تحریص نمیکند نماز خوان بودند این نماز آنها را در ردیف دینداران نخواهد آورد ، زیرا پیداست که اینان ناآگاه و بیخبر از روح و حقیقت نمازند فقط خم و راستی میشوند ،

۱ - آیاتی در قرآن نظیر: ومن یوق شح نفسه، یا: وآتی المال علی حبه بنا بقولیکه ضمیر بمال برگردد شاید ناظر باینگونه مردم باشد .

۲ - شر قبل بر این نیست والبر عندک ذمة وفریضة لامة وممنونه و حباء پس ضمیر سبيله بلفظ بر در شرعیش راجع است

و الفاظ و اذکاری بر زبان میرانند و جز ریاکاری منظور و مقصودی ندارند (۱) .
 ۴ - فویل للمصلین . ۵ - الذین هم عن صلواتهم ساهون . ۶ - الذین هم یرآئون .

۷ - و یمنعون الماعون

«پس وای بر نمازگزاران ، که از نمازشان ناآگاهند ، آنانکه ریا میکنند ، و زکات نمی‌پردازند ، یا از دادن اسباب خانه بدیگران دریغ مینمایند» نماز عمود خیمه و عماد خانه دین است اگر این عبادت کامل جامع بدرستی انجام شود نمازگزار راز جمیع رذائل و آلودگیها پاک میسازد و از هرزشتی و ناپسندی باز میدارد امیرالمومنین (ع) در نهج البلاغه خطبه‌ای راجع بنماز دارد و در آنجا میفرماید «پیغمبر اکرم نماز را بچشمه آب گرمی تشبیه فرمود که بر در خانه مردی باشد و او در شبانه‌روز پنج‌بار در آن شستشو کند آیا ممکن است چرکی بر بدنش بماند؟ همچنین است نماز» و قرآن کریم میفرماید ان الصلوة تهی عن الفحشاء و المنکر یعنی نماز از هر پندار و کردار و گفتار زشت و ناپسند باز میدارد .

نکته بسیار مهمی که نباید ندانسته و نا گفته ماند این است که در جمیع اعمال و احکام عبادی اسلام رام کردن نفس سرکش و از میان بردن خودخواهی و تکبر و اتصاف بفضیلت تواضع ، منظور و ملحوظ گشته است باز امیرالمومنین (ع) خطبه غرائی بنام قاصعة (یعنی تحقیر کننده متکبران) دارد که در آن از زیانهای بسیار و مفسد بيشمار این خوی زشت بتفصیل سخن گفته است و در آنجا از مناسک و اعمال حج بعد از نماز و روزه و حتی زکات نام برده و بیان فرموده است که چگونه این عبادت تکبر را نابود میسازد کمتر کسی توجه دارد که تشریح حکم زکات تکبر بر تواضع آور است ولی پس از اندک تأملی معلوم میشود که این حکم فقرا را با اغنیاء شریک میسازد و بآنان تسلط در اموال توانگران می‌بخشد و این شرکت دادن و حکومت و تسلط بخشیدن از عظمت و علو مقام اغنیاء و ذلت و حقارت تهیدستان میکاهد ، و فاصله بین منعم و محروم را از میان میبرد تا چه رسد بنماز که نمازگزار گاه در پیشگاه عظمت پروردگار بیحرکت ایستاده و گاه کمر بندگی خم کرده و در آخر با شکستگی و فروتنی و حقارت و پستی اعضا و جوارح گرامی حتی صورت و پیشانی خود را بر خاک مینهد و میساید و با این اعمال با نفس خود جهاد میکند و غرور و تکبر را محو و تواضع و تذلل را اثبات مینماید البته یک دین جامع و کامل باید چنین باشد ، خود خواهی منشاء و منبع همه مفسد است باید نخست اصل و ریشه عموم بیماریهای روحی را چاره کرد همچنانکه اساس همه ترقیات معنوی و روحی و اصلاحات فردی و اجتماعی خداشناسی و خدا پرستی است و خود خواه و

۱ - بعضی مفسرین آیه فویل للمصلین الخ را چنین معنی کرده اند که وقتی راندن یتیم و عدم تحریر برطعام مسکین؟ تکذیب دین باشد پس ترك نماز چه خواهد بود .

خودپرست خدای جوی و خداپرست نمیتواند باشد» پس امید صلاح و اصلاحی نباید از او داشت. و نیز نمازگزار واقعی خدا را دوست میدارد و خدا او را یحبهم الله و یحبونه میخواند آیا دوستی خدا با عشق بمال که اصل هر گناه و خطائی است جمع میشود؟ نمازگزار یکبار در بسم الله و باردگر در سوره حمد خدا را بدو صفت رحمن و رحیم میستاید اگر از نمازش غافل نباشد قهراً در کسب این صفت خدائی و تخلق باخلاق الهی خواهد کوشید و مهرباترین مردم خواهد شد و از قساوت و سنگدلی و بیرحمی و بیمهری برکنار خواهد ماند و همچنین و همچنین ما نمیخواهیم جمیع فوائد و مزایای نماز را اینجا بیان کنیم همین مختصر کافی است تا روشن شود که راندن یتیم و حریمی نبودن و تحریص نکردن بر طعام مسکین کاشف از اخلاق رذیله است همچون تکبر و غرور و مالدوستی و بخل و سنگدلی و بیرحمی و جز آنها که نمازگزار حقیقی از آنها منزّه و مبری است پس هر کس این صفات زشت را دارد و نماز میخواند بنمازش توجه نکرده و روح و حقیقت نماز را نشناخته است و برای ریا خوانده نه برای خدا و همین گونه مردم هستند که از پرداخت زکات نیز خود داری دارند و یا از دادن اسباب و ابزار خانه مانند فرش و ظرف و بیل و تیشه و امثال آنها بدیگران مضایقه مینمایند لفظ «ماعون» بمعنی هر چیزی است که آدمی را در انجام کار و رفع حاجاتش کمک نماید پس بمال و ثروت هم که کمک بزرگی در انجام مقاصد است گفته میشود و با سباب و ائانه نیز اطلاق میگردد این است که مفسران هم زکات و هم ابزار زندگی معنی کرده اند .

این سوره مبارکه نمونه عنایت دین مبین اسلام بروح و حقیقت و هدف احکام و اعمال هست نه توجه بصورت و قشر و ظاهر میان تهی آنها حتی برای انجام دهنده نماز که ستون دین است وقتی نمازش روح و حقیقت ندارد هر چه الفاظ و اذکارش را صحیح بخواند و آداب و شرایط ظاهری را نیک انجام دهد ویل و عذاب وعده میدهد این است دین حقیقت بین ما و این است رفتار ما ظاهر بینان از حقیقت دور خداوندنا بیرکت قرآن بما بصیرت و توفیق عمل عنایت فرما.